



ناصر ذاکری کارشناس اقتصادی

چند سالی است که عبارت «تنظیم بازار» در گزارش‌های رسمی مقامات و رسانه‌ها پرتکرار شده است. دراصل وقتی دولت‌مردان به این نتیجه برسند که عوامل عرضه و تقاضا در یک بازار معین در مسیری حرکت نمی‌کنند که متضمن منافع اجتماعی باشد، با هدف بازگرداندن جریان بازار به ریل مناسب مداخله می‌کنند، مداخله‌ای که «تنظیم بازار» نام گرفته است. درحالی که هدف از امر تنظیم بازار را می‌توان مهار رشد قیمت، جلوگیری از بروز کمبود، کاهش فشار به خانوارهای کم‌درآمد و در کل جلب رضایت شهروندان دانست. بازار مسکن استیجاری نیز در سالیان گذشته موردتوجه دولت‌مردان بوده و با هدف جلوگیری از رشد بی‌رویه قیمت به‌ویژه در کلان شهرها، سقفی مجاز برای افزایش قیمت تعیین و ابلاغ شده است. طبعاً علت توجه مسئولان به این بازار، افزایش تدریجی وزن آن در اقتصاد ملی، تأثیر منفی افزایش هزینه مسکن بر اقتصاد خانوارهای کم‌درآمد و گسترش نارضایتی ناشی از آن بوده است. صرف‌نظر از اینکه مداخله دولت در بازار مسکن استیجاری و تعیین سقف مجاز افزایش اجاره‌ها تاکنون چه تأثیری بر این بازار داشته است؟ باید گفت مداخله در این بازار و تلاش برای «اصلاح» روندها در آن یک ضرورت انکارناپذیر است. دلایل توجیهی این

مداخله را می‌توان در چهار سرفصل زیر خلاصه کرد:

۱- در دو دهه گذشته سهم جمعیت مستاجر کشور با سرعت بالایی در حال رشد بوده و اینک در سطح کلان‌شهر تهران به رقم ۴۰ درصد نزدیک شده است. به این ترتیب سهم جمعیتی که با افزایش اجاره‌بهای مسکن گرفتار تنگنای معیشتی می‌شوند، افزایش چشمگیر پیدا کرده است.

۲- با عنایت به تحمل تحریم‌های ظالمانه و تداوم رکود همراه با تورم دورقمی، ابعاد فقر در جامعه گسترش یافته و جمعیت زیر خط فقر به‌سرعت افزایش یافته است.

۳- در چند دهه گذشته سهم هزینه مسکن در سبد هزینه خانوار روند افزایشی داشته و واکنش بسیاری از خانوارهای مستاجر این دشواری، اسباب‌کشی به مناطق حاشیه شهر یا اجاره واحدهای مسکونی کوچک‌تر و فقیرانه‌تر بوده است.

۴- به‌دلیل ناکارآمدی بازار سرمایه و اجرای سیاست‌های نامناسب پولی تقاضای سفته‌بازانه در بازار املاک رشد خارق‌العاده یافته و طبعاً توقعات مالکان املاک استیجاری را در میدان کسب درآمد ناشی از اجاره بالا برده است.

## بسیاری از کارگران زن ایران در کارگاه‌های زیرزمینی و مشاغل

بدون دستمزد کار می‌کنند

# زنانی بدون اثر انگشت

«اثر انگشت‌تان ثبت نمی‌شود خانم. اثر انگشت ندارید! دوباره انگشت بزنید...». زنی که پشت باجه پیشخوان دولت برای ثبت سسیم‌کارتش آمده و نمی‌داند برای نداشتن اثر انگشت، چه کند؟ نگاهی به انگشت‌هایش می‌اندازد. انگشت‌هایش سبز و خموده است. می‌گوید در آشپزخانه یک رستوران سبزی خرد می‌کند. آن قدر که دیگر اثر انگشت‌هایش از بین رفته و رنگ سبز به خرد پوستش رفته است.

این زن‌ها در بازار کار هم اثر انگشت ندارند. بمسیاری از زنان ایرانی کارگران مجانی مزارع و کارگاه‌های فرش و صنایع دستی بوده‌اند. زهرا کریمی، اقتصاددان، به «شرق» می‌گوید که بسیاری از زنان کارگر ایران کارکنان خانگی بدون مزد یا کارگران کارگاه‌های زیرزمینی هستند و همین زنان معمولاً در آمارهای بازار کار لحاظ نمی‌شوند. معصومه جوادی، رئیس کانون بانوان شوراهای اسلامی کار هم به «شرق» توضیح می‌دهد که زنان کارگر ایرانی نه‌تنها گاهی دستمزدهای پایین‌تر دریافت می‌کنند و از مزایایی مانند اضافه‌کار و ارتقای شغلی برخوردار نیستند که مجبور هستند علاوه بر محیط کار، ساعات زیادی را به کار در خانه بپردازند و در نتیجه زنان شغل، شرایط دشوارتری را نسبت به مردان دارند.

### رشدی‌کاری زنان ایران

آماری که از زنان شاغل ایران ثبت شده، فقط حدود ۳۰۵ میلیون نفر است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، نزدیک به ۳۰۵ میلیون نفر زن در بازار کار ایران مشغول به کار هستند و جمعیت مردان شاغل بیشتر از ۲۰ میلیون نفر ذکر شده است. براساس این گزارش در پاییز سال گذشته جمعیت فعال ۱۵ ساله و بیشتر ۲۵ میلیون و ۸۰۰ هزار نفر بوده که از این تعداد ۲۳.۵ میلیون نفر شاغل و ۲.۳ میلیون نفر بی‌کار هستند.

گزارش مرکز آمار ایران نشان می‌دهد که از بین جمعیت شاغل، بیش از ۲۰ میلیون نفر مرد هستند که تعدادشان در پاییز ۱۴۰۰ نسبت به پاییز سال ۹۹ حدود ۲۱۷ هزار نفر اضافه شده است و سهم زنان از جمعیت شاغل نیز حدود ۳.۵ میلیون نفر است که از تعدادشان حدود ۱۹۵ هزار نفر کم شده است.

در واقع در پاییز سال گذشته در شرایطی که تعداد شاغلان مرد افزایش داشته، شمار زنان شاغل کاهش یافته است.

زهرا کریمی، اقتصاددان، در این زمینه به «شرق» توضیح می‌دهد که کرونا و شرایط نامطلوب اقتصادی بیشترین آسیب را به زنان زده است، زیرا زنان بیشتر در بازار مشاغل خدماتی مشغول به کار هستند و در هتل‌ها و رستوران‌ها، در فروشگاه‌ها و... کار می‌کنند و کرونا بیشترین آسیب را به زنان شاغل در مشاغل خدماتی زده است.از سوی دیگر سهم مزد کارگران در مشاغل خدماتی، بسیار زیاد است و با افزایش هزینه نگاه‌های اقتصادی و فشار بر اقتصاد کشور، بیشترین تعدیل نیرو و تعطیلی بنگاه‌ها در بخش خدمات رخ می‌دهد و زنان کارگر بیشترین آسیب‌ها را متحمل می‌شوند.

**نیمی از زنان سرپرست خانوار در فقر مطلق**

این اتفاقات در حالی رخ می‌دهد که براساس گزارشی که

اسفند سال گذشته وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی منتشر کرد، با شیوع کرونا در ایران ۶۸ هزار و ۳۶۰ زن به‌واسطه فوت سرپرست خانوار سرپرست خانوار شده‌اند و در این میان تنها ۴۳ درصد زنان سرپرست خانوار دارای فرزند، از بیمه تأمین اجتماعی برخوردار هستند.

همچنین نیمی از خانوارهای زن سرپرست آسیب‌دیده از کرونا، در سه دهک پایین اقتصادی قرار دارند و تنها یک سوم خانوارهای سه دهک پایین درآمدی دارای کودک یا دارای زن سرپرست خانوار جدید، تحت پوشش نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد امام خمینی و سازمان بهزیستی کشور قرار دارند. براساس این گزارش بیشترین تعداد خانوارهای آسیب‌دیده از کرونا در استان‌های تهران، آذربایجان شرقی، خوزستان، خراسان رضوی و اصفهان قرار دارند.

در ارتباط با زنان سرپرست خانوار آسیب‌دیده از کرونا در سه دهک پایین درآمدی، نیمی از ایشان بالای ۶۵ سال قرار دارند. دوسوم این خانوارها، یارانه دریافت می‌کنند، اما یک‌سوم ایشان تحت پوشش بیمه اجتماعی قرار دارند.

### زنان سالمند در بازار کار

در ایران بسیاری از زنان سرپرست خانوار به سنین کهنسالی نزدیک می‌شوند اما به دلیل اینکه از حمایت‌های بیمه و مستمری بازنشستگی برخوردار نیستند، همچنان مجبور به کار هستند. براساس داده‌های سرشماری ۱۳۹۵ و میانگین سنی زنان سرپرست خانوار، به بالای ۶۰ سال رسیده و تقریباً نیمی از این زنان به‌تنهایی زندگی می‌کنند.

به‌علاوه حدود نیمی از زنان سرپرست خانوار، فاقد سواد هستند. یک‌سوم زنان سرپرست خانوار سنین ۱۸ تا ۲۹ تاویل به مشارکت اقتصادی دارند و بیش از یک‌سوم خانوارهای زن

سرپرست در دهک‌های پایین درآمدی قرار دارند.

### زنان کارگر فقیرتر شده‌اند

زهرا کریمی، اقتصاددان، به «شرق» می‌گوید که آسیب‌پذیرترین کارگران زن ایران، زنانی هستند که در خانوارهای دهک‌های پایین درآمدی زندگی می‌کنند، زیرا این زنان معمولاً کم‌سواد هستند و در مشاغل خدماتی و مشاغل پدی کار می‌کنند و از دو جهت مشاغل آنها مورد تهدید جدی است. از یک جهت به‌دلیل اینکه در ۱۰ سال گذشته وضعیت اقتصادی ایران بسیار نامطلوب بوده و خروج سرمایه از کشور سرعت گرفته است.

همچنین تورم دورقمی، کاهش قدرت خرید خنوار و رکود بازار موجب شده است که بسیاری از بنگاه‌ها و مشاغل تعطیل شوند. در این بین مشاغل خدماتی آسیب بیشتری دیده‌اند و زنان کارگر سهم بالایی در مشاغل خدماتی دارند و در نتیجه بیشتر در معرض تعدیل و بی‌کاری بوده‌اند.

از سمت دیگر با مکانیزه‌شدن بسیاری از مشاغل زنانی که کارهای دستی انجام می‌دادند و به‌عنوان مثال در مزارع کار

معصومه جوادی، رئیس کانون بانوان شوراهای اسلامی کار؛ با نامساعدشدن اوضاع اقتصاد زنان بیشتری ناچار هستند کمک‌خرج خانواده‌های خود باشند. در حال حاضر دوسوم کارگران کارگاه‌های زیرزمینی ایران، زنان هستند و شرایط دشوار اقتصادی موجب شده است‌که زنان زیادتری به مشاغل کاذب مانند دست‌فروشی در مترو و اتوبوس و پیاده‌روها یا مسافرکشی روی آورند.

تاکنون مداخله در بازار مسکن استیجاری به‌صورت تعیین سقف مجاز افزایش اجاره‌بها یا دادن وام ودیعه به جمعیت مستاجر بوده که تأثیر چندانی در این بازار بر جای نگذاشته و باری از دوش جمعیت در‌حال‌رشد مستاجر برنداشته است.تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان به این نکته توجه نکرده‌اند که هجوم تقاضای سفته‌بازانه به بازار املاک موتور رشد اجاره‌بهای مسکن است. با عنایت به نبود فرصت‌های مطلوب سرمایه‌گذاری و ناکارآمدی بازار سرمایه، تنها موقعیت مناسب برای صاحبان نقدینگی خرید املاک و مستغلات است که هم از درآمد اجاره و هم از افزایش ارزش آن در آینده بهره‌مند شوند. در چنین شرایطی مالکان با برآورد ارزش ملک خود و محاسبه سود مرتب با این میزان نقدینگی، اقدام به محاسبه ارزش رهن و اجاره ملک کرده و مستاجر را ملزم به پرداخت آن می‌کنند. از سوی دیگر چون بازار املاک استیجاری ماهیتاً به‌اصطلاح بازار خریدار نبوده و بازار فروشنده است، مالک می‌تواند شرایط خود را به مستاجر تحمیل کند. دولت‌مردان با اجرای سیاست کاهش نرخ سود سپرده‌ها هرچند هدف ساماندهی بخش پولی اقتصاد کشور را داشته‌اند، اما عملاً ضربه‌مهلکی به اقتصاد خانوارهای مستاجر زده‌اند، زیرا مؤجران با کاهش نرخ تبدیل ودیعه



می‌کردند یا در کارگاه‌های بسته‌بندی مشغول به کار بوده‌اند، با ماشین‌آلات صنعتی جایگزین شده‌اند و در نتیجه سهم زنان در مشاغل سنتی کاهش داشته است.

در مقابل زنان تحصیل‌کرده و دانشگاه‌رفته بیشتر به مشاغل مدرن روی آورده‌اند و هم‌زمان با اینکه سهم زنان در مشاغل سنتی کاهش داشته، سهم زنان در مشاغل مدرن‌تر افزایش داشته است. نتیجه اینکه زنان کارگر و کم‌سواد دهک‌های پایین درآمدی بیشترین آسیب را از بازار کار متحمل شده و فقیرتر شده‌اند.

### افزایش گرایش زنان ایران به مشاغل کاذب

معصومه جوادی، رئیس کانون بانوان شوراهای اسلامی کار هم به «شرق» توضیح می‌دهد که با نامساعدشدن اوضاع اقتصاد زنان بیشتری ناچار هستند کمک‌خرج خانواده‌های خود باشند، در عین اینکه این زنان در بازار کار غالباً با عنوان جنس دوم تلقی می‌شوند و ناچار هستند با دستمزدهای پایین‌تر و مزایای کمتر کار کنند و در عین حال به دلیل نگاه‌های مردسالارانه، کار خانه هم به‌عنوان وظایف زنان تلقی می‌شود و این زنان مجبور هستند بعد از ساعات طولانی کار خارج از خانه، ساعات زیادی در خانه کار کنند و نقش غالب را در نگهداری فرزندانشان هم ایفا کنند که مجموع این شرایط فشار مضاعفی به زنان شاغل ایران و به‌ویژه زنان کارگر تحمیل می‌کند.

این فعال کارگری زن تأکید می‌کند که دوسوم کارگران کارگاه‌های زیرزمینی ایران، زنان هستند و شرایط دشوار اقتصادی موجب شده است که زنان زیادتری به مشاغل کاذب مانند دست‌فروشی در مترو و اتوبوس و پیاده‌روها یا مسافرکشی روی آورند.

به اجاره، فرصتی برای افزایش حصه نقدی اجاره‌بها یافته‌اند. کافی بود سیاست‌گذاران حوزه بانکی با جداکردن بازار سپرده‌های خرد و کلان، امکان اعمال نرخ سود بالاتر را به سپرده‌های خرد می‌دادند تا علاوه‌بر تحقق هدف ساماندهی بخش پولی فشار مضاعفی بر جمعیت مستاجر وارد نیاید. اما چون ظاهراً هیچ‌یک از تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیرندگان این حوزه مستاجر نیستند، توان درک واقع‌بینانه این اثر منفی را که به‌راحتی قابل‌پیشگیری بود نداشته و برای خنثی‌کردن آن تمهیدات ساده‌ای در حد تعریف سهمیه سپرده طلایی برای شهروندان نیندیشیده‌اند. در شرایط موجود اقتصاد کشور، تنها اقدام بجا در مسیر «تنظیم بازار» مسکن استیجاری کاهش تقاضای سفته‌بازانه و تضعیف رابطه ارزش روز ملک با ارزش اجاره آن است. دولت با این سیاست به صاحبان نقدینگی اعلام می‌کند که اگر دنبال سودی متناسب با میزان نقدینگی خود هستند، باید به بازارهای دیگر مراجعه کنند. همچنین وضع مالیات متناسب با سرعت افزایش اجاره می‌تواند انگیزه مالکان برای افزایش اجاره‌بها را کاهش دهد. گسترش فقر ناشی از افزایش اجاره‌بهای مسکن در چندسال گذشته هشداری به دولت‌مردان است که تنظیم بازار مسکن استیجاری را تا دیر نشده جدی بگیرند.

### بازتاب

## توضیحات شرکت ملی پالایش و پخش درباره یک گزارش

شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی در واکنش به گزارشی تحت عنوان «حراج سوخت» که هفته اردیبهشت سال جاری در روزنامه شرق منتشر شد، توضیحاتی را ارائه داد.در متن توضیحات شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده‌های نفتی ایران آمده است:در گزارش مذکور با استناد به آمارهای کم‌رک، قید شده است که در سال گذشته صادرات بنزین با نرخی بسیار کمتر از حد بازارهای جهانی انجام شده و سپس ماحصل ارقام استخراج‌شده از روند ارزان‌فروشی با میانگین سالانه بهای هر بشکه نفت اوپک قیاس شده است. تا شکاف قیمتی در عرضه صورت گرفته و عدم‌النتف اقتصادی آن برای بازار کشور را به اثبات برساند و در ادامه با ترسیم روایتی ناقص دولت سیزدهم را محلی جهت وقوع این زنجیره علت و معلولی قلمداد کند! این درحالی است که بستر این رویداد در دولت گذشته مهیا شد تا سرنوشت محموله‌های صادراتی را در پی تعهد تحمیل‌شده از سوی دولت دوازدهم به دولت سیزدهم واگذار کند. بنابراین در وهله نخست باید تأکید کرد که ارزان‌فروشی اشاره‌شده در این گزارش مربوط به دولت قبل بوده است که به دلیل توقف طرح‌های توسعه‌ای اعم از ممنوعیت ساخت مخازن ذخیره‌سازی، انبارهای نفت و خطوط انتقال حادث شد.

این در شرایطی بود که روند کاهشی مصارف داخلی و جهانی به‌دنبال اپیدمی کرونا خود مزید بر علت شد تا در نابسامانی مدیریت عرضه و تقاضای بازار فرآورده‌های نفتی دامن زده شود. درصورتی‌که با استفاده از نظر افراد متخصص و شور با کارشناسان امکان تبدیل این تهدید اقتصادی به یک فرصت استراتژیک در شرایط تحریم وجود داشت. اگر ظرفیت ذخیره‌سازی کشور براساس برنامه‌های مصوبه قبل افزایش می‌یافت به دنبال توسعه ذخایر استراتژیک در زمان کاهش قیمت‌های جهانی این امکان مهیا می‌شد تا نسبت به فروش فرآورده‌ها در زمان بهبود شرایط بازار با قیمت روز اقدام شود.اثر پروانه‌ای این تصمیم غیرکارشناسی در دولت قبل منجر شد تا دست‌اندرکاران صنعت پالایش امروز در دولت سیزدهم مکلف به جبران مافات تعهداتی شوند که هیچ صرغه اقتصادی را برای ملت و دولت مردمی نداشته باشد.اما روال مدیریت سوخت در شرکت ملی پالایش و یخش فرآورده‌های نفتی در دولت سیزدهم به گونه‌ای پیش رفت تا با اولویت‌بندی و آینده‌نگری در خصوص تثبیت و حفظ ذخایر استراتژیک کشور یک بازنگری اساسی در روند صادرات صورت بگیرد؛ بدین‌ترتیب روند این فروش‌های صادراتی در پنج‌ماهه اول سال ۱۴۰۰ در پی علل مذکور منجر به کاهش ذخایر و عدم توجه به تأمین سوخت زمستانی صنایع و نیروگاهی گردید. لذا ضرورت تأمین و مدیریت انرژی مورد نیاز بازار داخلی، نیروگاه‌ها و صنایع در شش‌ماهه دوم سال و تعهدات به جامانده از دولت قبل علا‌ص‌طور مجوزهای صادراتی جدید فرآورده‌های بنزین و نفت گاز را غیرممکن کرد. بنابراین آمارهای صادراتی فرآورده‌های نفتی سال ۱۴۰۰ در دولت جدید صرفاً مربوط به تعهدات باقی‌مانده از دولت قبل است که بعضاً به‌صورت نقدی و با قیمت ثابت فروخته شده بود.

در پایان باید تأکید کرد که در سال ۱۴۰۱ و با صدور مجوزهای صادراتی، فروش و عرضه فرآورده‌های بنزین و گازوئیل صرفاً براساس قیمت جهانی جدید و در رینگ بورس انرژی ایران صورت گرفته است.

**آگهی دعوت یازدهمین دوره مجمع عمومی حزب جامعه زینب (س) کد شناسه ملی حزب جامعه زینب (س)۱۰۱۰۰۳۴۸۲۹۶**
بدینوسیله از کلیه دبیران و اعضا؛ معترم جامعه زینب (س) دعوت بعمل می‌آید در یازدهمین دوره مجمع عمومی راس ساعت ۹:۳۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۱/۰۲/۲۱ در شهر آیاده به آدرس:خیابان خرمشهر کوچه ۱۲ پشت اداره آموزش وپرورش سالن اجتماعات یاس برگزار می‌گردد حضور به هم رسانید.
**دستور جلسه:**انتخاب شورای مرکزی و بازرسین
**اعظم حاجی عباسی-دبیر کل جامعه زینب(س)**

**کارت پروانه تاکسیرانی خودرو سمند**
**مدل ۱۳۸۸**
**به شماره پلاک: ۲۲-۶۴۷۵۷ت۶۴**
**شماره موتور: ۱۲۴۸۸۲۱۴۵۹۳**
**شماره شاسی: ۰۶۰۳۳۳۳ NAAC۶۱CA۲AF**
**به نام امیر حسین عباسی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**

**کارت شناسایی اینجناب مرتضی پاک‌نیت به شماره تسهیلات ۱۳۹۵۳۸۶ مربوط به شرکت هوپیمایی جمهوری اسلامی ایران هما مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**

**کارت شناسایی (پرسنلی) اینجناب جعفر آهنگر به شماره کارمندی ۹۱۴۷۹۳ هوپیمایی جمهوری اسلامی ایران هما مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**

**برگ سبز خودروپرایددی‌ام(هاج‌بک) رنگ مشکی متالیک مدل ۱۳۸۶ به شماره پلاک ایران ۹۹\_۱۵۳\_۴۸ و شماره موتور ۲۰۴۹۶۲۱ و شماره شاسی S1442286187284 به نام **شهلا نصراله زاده مهر آبادی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**

**برگ سبز. سند کارخانه و کارت شناسایی موتورسیکلت احسان۱۲۵ مدل ۱۳۹۱ به شماره پلاک ۱۹۴۴۴ ایران ۸۱۵ شماره وین 147149510A851 IRADN بنام **آقای رضا حفقوئی** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**

**برگ سبز، سند قطعی، سند کمپانی و تسلسل اسناد خودروپژو۲۰۶ رنگ سفید روغنی مدل ۱۳۸۵ به شماره پلاک ایران ۳۰\_۸۳۶\_ب ۹۹ و شماره موتور۲۷۳۱۸۳۸ و شماره شاسی۱۰۸۱۹۹۱۵ به نام **معین رحمانی چوبه** مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**

**برگ سبز خودروی سواری سایپا SAINA مدل ۱۳۹۷ به رنگ سفید روغنی به شماره پلاک ۷۲ ط ۹۴۹ ایران ۸۴ و شماره موتورM15/8703136 و شماره شاسی NAS831100J5806320 بنام **آقای اردشیر سالارپور** محمد مرادی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می‌باشد.**